



آرمان

نشریه دبیرخانه خارجی

سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران

اسفندماه ۱۳۵۴

ضمیمه شماره (۶)

L'Etat Actuel de la Repression

Politique en Iran

وضع کنونی تضيقات سیاسی

در ایران

گزارش

ژان-میشل براونشویگ

Jean-Michel Braunschweig

وکیل دعاوی در دادگاه استیناف پاریس

از ماموریتی که از نهم تا هجدهم ژانویه ۱۹۷۶
در ایران انجام داده است

از طرف

انجمن بین‌المللی حقوقدانان دمکرات

(۱۰ ب ۰ ح ۰ د - سازمانی است غیر دولتی با حق رای مشورتی در شورای

اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد و یونسکو

پیشگفتاری از "آرمان"

نوروز سرآغاز زندگی نوین ، بهار طبیعت ، جشن فرخندگی
شادمانی کار ثمربخش گذشته و امید نیرومند به
آینده است .

ولی رژیم پهلوی نوروز ما را سیاه کرده ، هر ساله
با کشتار گروهی از جوانان میهن پرست ، جشن زندگی
نوروزی را به سوگواری جانسوز بدل میکند .

در دوران رضاشاه — نایب السلطنه انگلستان در ایران —
درخت پرشاخ و برگ نوروز زرخیزه های تبر دیکتاتور قرار
گرفت ، محمد رضاشاه — نایب السلطنه امپراطوری
امریکا — دیگر در تلاش قطع آنست .

اینک سفره نوروزی اکثریت اهالی کشور ، تمام رنجبران
ایرانی مولد ثروت تهی است . کودکان ژنده پوش لباس
نوین نوروزی نمی بینند و هفت سین سنتی بجای شادی
و شادمانی غم انگیز و اندوه آفرین شده .

آن گروه گفتارهای اجتماعی نیز که از پس دربار فاسد روانه
جشن نوروزی راه نه پاک بسان ایرانیان ، نایاک با پلیدی
های وارداتی از گنداب غرب و هرزگی های بهیمی در بارگو
برگزار میکنند .

اما نوروز ما ریشه کن شدنی نیست ، بهمان گونه که مشردا
ایران ، خلق های ایران را نمی توان نابود ساخت .
نوروز ما پیروزمند و پرفروغ فرا خواهد رسید ، آنگاه که
توانسته باشیم خود را از شر این رژیم ایران پر یادده رها

سازیم .
برای رسیدن به این مقصود باید البته مبارزه کرد ، مبارزه
با یگانگی نه پراکندگی ، سازمان یافته نه خود بخودی ، متکی
به زحمتمکشان نه جدا از آنها ، از شاهراه اصولی و نه از

کسوره راه گمراهی .
رسم ایرانیان است که در نوروز به یکدیگر هدیه میدهند .
ما نوروزی شادی آفرین نداریم و از اینرو هدیه نوروزی نیز
نمی توانیم داشته باشیم . در عوض چند برگه در اانشاء این

رژیم سرنگون شدنی و سرنگون کردنی در اختیار خوانندگان
عزیز خود میگذاریم ، که در آن حکومت نکبتبار شاه آنچنانکه
هست معرفی میشود .
باشد که روزی نامه گلشنک نوروزی داشته باشیم و جشن

بهار زندگی نوین برپا داریم . به امید آنروز ،
تندرستی دوستان و کامیابی آنان را در مبارزه آرزومندیم .



وضع کنونی تضییحات سیاسی در ایران

از: ژان میشل برانشویک

وکیل د عاوی در دادگاه استیناف پاریس

پس از آنکه از طرف انجمن بین‌المللی حقوقدانان دمکرات ماموریت یافتم بایران بروم تا در محل از وضع زندانیان سیاسی و بویژه از سرنوشت افرادی که اخیراً توقیف آنها بیدلائل سیاسی اعلام شده بود، تحقیق کنم؛ از ۹ تا ۱۸ ژانویه (۱۹ تا ۲۸ دی ماه ۱۳۵۴) باین کشور رفتم، همراه با کشیش میشل ژست که او نیز از طرف جنبش روشنفکران کاتولیک (پاکس‌رومانا) ماموریت یافته بود.

دو قبل از حرکت اطلاع یافتیم که در آخر ماه دسامبر دادگاه نظامی تهران علیه ده نفر حکم اعدام صادر نموده و لذا کسب اطلاع از وضع اینان نیز در دایره تحقیقات ما قرار گرفت.

با آگاهی از دشواریهای هر بار مهمتری که ناظران بین‌المللی در ماموریت‌های خود به ایران با آنها روبرو میشوند، بدون خندان‌آیندی به موفقیت بود که کشیش ژست و من عصر روز ۹ ژانویه وارد تهران شدیم. من پس از ارائه گزارش‌های تساهلی که با مقامات ایرانی گرفتیم، اطلاعات چندی را نیز که ما خود جمع‌آوری کردیم باز خواهم گفت.

ما حتی قبل از اخذ تماس با مقامهای ایرانی که از سه شنبه ۱۳ ژانویه آغاز شد، همان فردای ورودمان، بسفارت فرانسه مراجعه کردیم که در آنجا بجای سفیر از طرف مشاور اول سفارت، آقای بیتار BITARD (که بتازگی سرکنسول فرانسه در اورشلیم تعیین شده بود)، و آقای فردریک کراسه FREDERIC GRASSET پذیرفته شدیم.

این دو دیپلمات ما را خیلی با مهربانی و سادگی پذیرفتند ولی ما بزودی فهمیدیم که نقش آنها در دیپلمات فرانسوی مانع آنستکه ما کمترین امید بی‌کام آنها در انجام ماموریت خویش داشته باشیم. علیرغم پرسشهایمان، ما همچنان در دایره کلیات باقی‌ماندیم. بدینسان بود که آنها تأکید کردند که چند ماه پیش تظاهرات بسیار مهیجی در شهر مذهبی قم رخ داده و بازداشت‌های بسیاری در بین محافل مذهبی انجام گرفته و دولت عملیات خود را با دعوی وجود یک توطئه اسلامی - مارکسیستی توجیه کرده است.

اما در باره احکام اعدامیکه چند روز پیش صادر شده بود، آنان جز مندرجات روزنامه‌ها اطلاعات بیشتری نداشتند. ولی اظهار عقیده کردند که رژیم از امور مختلف تروریستی ملغمه‌ای ساخته، می‌خواهد آنها را تا قبل از سال نوین ایرانی بکلی منهدم کند. دو

دیپلمات فرانسوی همچنین تأیید کردند که محکوم شدگان ده‌گانه با اتهام قتل سه افسر امریکایی، یک افسر عالی‌رتبه ایرانی، ژنرال زند بیور، رئیس ساواک در تهران و یک کارمند ایرانی سفارت آمریکا و نیز قتل یک نفر از خودشان مورد پیگرد قرار گرفته‌اند. پس از آن ما به مقر سفارت واتیکان رفتیم تا ملاقاتی با نماینده پاپ تقاضا نمائیم. ایشان به رم بازگشته بود و جانشین او نیز هنوز وارد نشده بود.

چون کسی برای پذیرش ما نبود، موافقت کردیم که بعد از ظهر با کاردار عالیجناب فرانکو ملاقات کنیم. ایشان بخوبی احتیاط دیپلماتیک را با جلوگیری مذهبی در هم آمیخته است. نمایندگی واتیکان در یک کشور اسلامی لابد با مسائلی روبروست و به یقین نمایندگی پاپ در تهران علاقمند است رژیم شاه را در معرض هیچگونه انتقادی قرار ندهد.

با تمام این‌ها از اظهارات عالیجناب فرانکو تأییدی سر بسته از رژیم علیه کمونیسم مبارزه می‌تواند استنباط کردیم. استنباط ما از اینرو تقویت شد که عالیجناب فرانکو به اوضاع برخی از کشورهای غربی از جمله ایتالیا اشاراتی کرد و از اینکه "خطر سرخ" اوج می‌گیرد ابراز تأسف نمود.

تا دوشنبه ۱۲ ژانویه با خارجیانکه سالیان درازی است که در تهران مقیمند تماس گرفتیم و اینان با احتیاط بسیار عناصری از اطلاعاتی را که مورد علاقه ما بود، در اختیار ما گذاشتند.

* * *

تماسهای رسمی با مقامهای ایرانی

از باامداد سه شنبه ۱۳ ژانویه، تصمیم گرفتیم ملاقاتی با عالیترین مقامها یعنی خود نخست وزیر آقای هویدا که در گذشته پذیرش ناظرین بین‌المللی را قبول کرده بود، خواستار شویم.

به مقر نخست وزیری رهسپار شدیم و در آنجا بوسیله پاساژ پلیس در ورودی موفق شدیم کارمندی از دفتر نخست وزیری را نزد ما بفرستند. یوپی‌تیمان زنی از دفتر ویژه نخست وزیر که زبان فرانسه را کامل حرف می‌زد، پس از آگاهی از مقصود در خواست ما، اظهار داشت که نخست وزیر سخن گرفتار است ولی او، وی را از تقاضای ما مطلع خواهد ساخت و خواهد کوتید تا یکی از اعضا کابینه ما را بپذیرد. طبق سنتی که ناظران قبل از ما بدان بخوبی آشنایی حاصل کرده‌اند، این بانو نام هتل اقامتگاه و شماره اتاق ما را پرسید و سپس افزود که وقت ملاقات را تلفنی با اطلاع خواهد داد.

ما تا روز ترک تهران بیهوده انتظار این تلفن را از نخست وزیری کشیدیم

پس از این نخستین اقدام به وزارت اطلاعات مراجعه در دیو باید بدویم که نسبتاً سرعت مرفعی شدیم و وقت ملاقاتی با آقای آریانپور، معاون مطبوعات نخست وزیر پذیریم. ملاقاتی با نزالت ولی‌محمدان با رفعت که حدود و شعور آن یزودی آشکار شد. به محض اینکه او را از قصد ملاقات خود آناه ساختیم، مخاطب ما که کارمندی برای ترجمه در نار خود داشت، یک شماره روزنامه فیکارو بتاريخ ۸ ژانویه ۱۹۷۶ که روی میزش بود، در برابر چشم ما نهد داشت و خواهرش کرد مقاله صفحه اول را بخوانیم که در شرح تامل سیاست مشترک اروپائی در مبارزه علیه تروریسم بین‌المللی بود. مقاله را که خواندیم آقای وزیر اعلام داشت که هیچ کشوری نمیتواند تروریسم را مجاز بداند، تروریسم نار جنایتکاران واقعی است که در قتل و سوء قصد در امرکنه عمومی و حتی در ناربود کردن افراد خودشان به دهشتناکترین طریقی تردیدی یخود راه نمیدهند.

از آن پس گفت و شنود خیلی روشن بود. آقای آریانپور صاف و ساده با اطلاع داد که خیلی خوشوقت میبود که ما را همچون جهانگرد فرانسوی در ایران بپذیرد و در آن صورت ابر کمترین دشواری میداشتیم و تمام خدمات و امکانات او در اختیار ما قرار می گرفت. ولی برای چیزهای دیدار، این امر داخلی ایران است که نسبت بدان ما نمی پایستی علاقه ای داشته باشیم؛ اینگونه جنایات، به نظر معاون نخست وزیر شایسته کمترین مراعاتی نیست و جنبه سیاسی نیز ندارد. اظهارات من در باره فرق موجود بین اعمال جنائی نسبت به حقوق عمومی و جرائمیکه اندیزه سیاسی دارد، مورد قبول آقای وزیر قرار نگرفت و او تفاوت بین آن دو را نفی کرد. آناه در پاسخ پرسش من که پس چرا صلاحیت رسیدگی باعمال گروه ده نفری به دادگاه نظامی واگذار شده، آقای وزیر پاسخ داد که دادگاههای نظامی، هرگاه که جرم حمل اسلحه باشد، یذانه دادگاههای صلاحیت دارند.

پس از ترک وزارت اطلاعات، به دانشنااه رفتیم تا شاید اطلاعاتی در باره تضییقات در محیط دانشناهی بدست آوریم و خواستار شدیم که از طرف رئیس دانشنااه پذیرفته شویم. پس از آنکه تقاضای خود را فورمولبنذی کردیم کارمند مربوط تلفن را برداشت و ما نیم ساعت انتظار کشیدیم تا تلفنوی خود را سرانجام تمام کند و بما بگوید که بهتر است فردا صبح تلفنی باو مراجعه کنیم.

ما این کار را کردیم ولی بدون نتیجه، نمره تلفنی که داده بود غلط از آب درآمد. آناه ما فهمیدیم که ادامه هرگونه کوششی که متوجه دانشنااه باشد بیپوده خواهد بود، چرا که آنجا نقطه حساس است.

بعد از ظهر به انجمن بانکها رفتیم تا شاید آقای دکتر عبده، وزیر سابق، سفیر سابق و رئیس کنونی انجمن ایرانی طرفداران سازمان ملل متحد را ملاقات کنیم. نظر پاینکه ما دارای اعتبار نامه از طرف سازمان غیر دولتی با حقوق مشورتی در جنب شورای اقتصادی و اجتماعی

سازمان ملل متحد و یونسکو بودیم، تصور میکردیم که در اینجا گفتو شنود مفید تری برقرار کنیم.

چون نامبرده آنجا نبود، ما پس فردا دوباره مراجعه کردیم ولی قبل از اینکه صبح چهارشنبه پذیرفته شویم ما بکا، دادگستری رهسپار شدیم تا ملاقاتی با آقای دکتر یکانه، رئیس دیوان کیفر تقاضا کنیم که بما گفته بودند یکی از شخصیت‌های ذینفوذ رژیم است (او عضو پارلمان نیز هست).

بما اطلاع دادند که او امروز صبح در پارلمان است و ملاقات برای روز شنبه آینده ساعت ۱۰ تعیین کردید.

و اما دکتر عبده ما را نزدیک ظهر ظاهرا بسیار گرم پذیرفت چنانکه با من همانند دوست همکاری سخن می‌گفت. او با شتاب و پس از آنکه فوجان قهوه‌ای بما تعارف کرد، اظهار داشت که از دیدار ما خوشوقت است ولی امکان ندارد که کمترین اطلاعی در باره موضوع مورد علاقه ما بدهد. او چیز دیگری جز نوشته روزنامه‌ها نمیداند و وقتی ندارد که پیرامون حقوق بشر صرف کند. در توضیح اظهار داشت که وانگهی، انجمن رشد پاینده او، از هرگونه برخوردی در باره صلاحیت یا کمیته ایرانی حقوق بشر پرهیز دارد و بنا بر حرارت بما توصیه کرد که باین کمیته مراجعه کنیم. دکتر عبده اصرار داشت که مشغله او بعنوان مشاور انجمن بانگها و نیز اقدام به تأسیس یک اطلاق حقوق بین المللی که با دیگر همکاران جوانتر او انجام یافته، تمام وقت او را گرفته است. بدینسان گفتگو به هیچ نتیجه‌ای برای ما منتج نگردید.

بعد از ظهر در هتل، کارمندگزار وزارت اطلاعات بدیدار ما آمد. روز قبل به‌نظام بازگشت به هتل، با تعجب مشاهده کردیم پیامی داریم که از ماد عوت می‌گردد که منتظر این دیدار بمانیم.

برای پاسخ به پرسشهای ما، آقای معاون وزیر تصمیم گرفته بود کسی را بسراغ ما بفرستد. این کارمند به وضوح خیلی بیش از آن اطلاع داشت که وانمود میکرد. روز قبل، ما فهرستی برای معاون نخستن وزیر بجای گذاشته بودیم که در آن علاوه بر نام ۱۰ نفر محکوم شدگان با اعدام، نام اشخاص دیگری نیز بود که مامور تحقیق در باره سرنوشت آنها شده بودیم. اینان عبارت بودند از:

- ۱ - حضرت آیت‌الله منتظری پیشوای روحانی ۶۵ ساله
- ۲ - حضرت آیت‌الله طالقانی، پیشوای روحانی ۷۵ ساله
- ۳ - حضرت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی پیشوای روحانی ۵۶ ساله
- ۴ - حضرت آیت‌الله لاهوتی از روحانیون ۵۴ ساله
- ۵ - دکتر مهدی معین، ۴۰ ساله

۷ - بانو طالقانی، دختر ایت الله طالقانی ۳۴ ساله

۸ - بانو منیره بستانسید میر مدرسۀ دخترانه "علوی" در تهران، ۴۳ ساله

۹ - بانو کبیری ۴۵ ساله که با دختر ۱۲ ساله اش دستگیر و زندانی شده است

۱۰ - دکتر عباس شیبانی ۴۲ ساله

کارمندی که بدیدار ما آمده بود، در باره محکومین با اعدام اظهار داشت که آنان می توانند تقاضای تجدید نظر کنند ولی او نمیتواند هیچ تاریخی برای دادگاه تجدید نظر نظر بگوید، چرا که قبل از آغاز آن میبایستی مراحل تدارکاتی چندی برقرار شود. پس بازگشت بفرانسه، ما اذاهی یافتیم نه تنها احکام اعدام در تجدید نظر ابرام شده و حدود ۴۸ ساعت پس از بازگشت ما در مطبوعات ایران اعلام گردیده بلکه حکم اعدام ۹ نفر، روز شنبه ۲۴ ژانویه ۱۹۷۶ (۴ بهمن ۱۳۵۴) اجراء شده است. از نزدیک بودن زمانی این وقایع برای ما یقین حاصل شد که جریان آن دادگاه در همان موقعی که ما در تهران بوده ایم جریان داشته است.

این کارمند نیز مانند همه دیگر کسان مورد مراجعه ما، در توضیح میگفت که این گروه تروریست، جنایکارانی بیش نیستند و نباید آنها را همچون متهم سیاسی نگریست. از ابراز تحجب من که پس چرا فقط افسران عالیرتبه آمریکائی و ایرانی هدف آنها شده اند، کارمند وزارت اطلاعات دستبویا خود را در یافتن پاسخ بسختی کم کرد و تصدیق کرد که شخصیت آنها البته یک چنین سئوالی را ایجاب میکند.

در باره صلاحیت دادگاههای نظامی، همان توضیحات برای ما تکرار شد: هر کس بجرم حمل اسلحه مورد پیگرد قرار نگیرد بدادگاه نظامی تحویل میگردد. ما شکایت کردیم که از چندی پیش، مقام های ایرانی دیگر به ناظران بین المللی اجازه نمیدهند در دادگاهها حضور یابند و یا از زندانها بازدید کنند. نماینده وزارت اطلاعات پاسخ داد که چنین مسئلهای باید در برابر مسئولین دادستانی نظامی مطرح شود و افزود که لابد در فرانسه نیز، خارجیانی نمیتوانند ادرسیهای سیاسی را نظارت کنند. او خود را بسیار شگفتزده نشان داد وقتی ما پاسخ دادیم که جریان دادگاه امنیت دولتی در فرانسه علنی است و مطبوعات خارجی میتوانند آنها را زیر نظر بگیرند.

مانند روز قبل در حضور معاون نخست وزیر، از این کارمند نیز پرسیدیم که آیا میتوانیم برای تماس با رئیس دادگاه و یا دادستان کل ارتش، آقای ژنرال بهزادی اجازه کسب کنیم. بعد پاسخ داد که میبایستی تقاضا نامه کتبی بدویم ولی برای دریافت پاسخ آن لااقل باید ۲۰ روزی منتظر باشیم. ما با او فهماندیم که برای ما یک چنین مدتی انتظار ناممکن است ولی برای آینده به سازمان خود خواهیم دقت که قبل از حرکت ناظران،

این اجازه را کتبا درخواست کند .

او تاکید کرد که بهتر است تقاضا نامه مستقیما به نخست وزیر ارسال شود .
 ما نیز به او توجه دادیم که غالبا ، پس از صدور احکام مجازات است که روزنامه های ایران
 خبر بزرگاری دادگاهی را درج میکنند . او بما پاسخ داد که در مورد دادگاه اخیر ،
 در مطبوعات ایران قبلا سخن رفته است (ما نتوانستیم صحت این دعوی را بازرسی
 کنیم) .

سرانجام ما ابراز تعجب کردیم از اینکه وکلای مدافع غیر نظامی نمیتوانند دفاع متهمین
 را در دادگاههای نظامی عهد مدار شوند . در واقع نیز دفاع بوسیله نظامیان شاغل
 و یا باز نشسته انجام میشود و این یک دفاع سستی است ، مادامکه وکلای مدافع متعلق
 به همان سازمان نظامی داوران اند و آنان واینان بر حسب سلسله مراتب نظامی تابع
 مافوق خود هستند . در توضیح او اظهار داشت که افسران مدافع ، وکلای واقعی
 با تحصیلات حقوق قضائی هستند و حق دفاع در دادگاههای غیر نظامی را نیز دارند
 بدیهی است عمل متقابل ، یعنی دفاع وکیل غیر نظامی در دادگاه نظامی ممکن نیست ،
 و این منح حق متقابل را ، او به قوانین ایران مستند ساخت .

ما در برابر تمام شخصیتهاییکه ملاقات نمودیم باز تاکید این موضوع غفلت نکردیم که هدف
 ما مورت ما بعنوان نمایندگان سازمانهای بین المللی ، بهیچوجه مداخله در امور داخلی
 دولت ایران نیست ، بلکه نظارت بر رعایت احترام تام و تمام به حقوق انسان و به حیثیت
 انسان است که در عهد نامه های بین المللی تصریح شده و ایران نیز بدلیل عضویت
 در سازمان ملل متحد میبایستی از آنها تبعیت کند .
 در مدت اقامت ما در تهران از مطبوعات فرانسه آگاهی یافتیم که باب ششم نیز در
 پهنیه ای تاکید کرده که حقوق بشر ارزشهای جهانی است و در هیچ موردی نمیتواند
 همچون مسائل داخلی کشور جداگانه ای تلقی گردد .

روز پنجشنبه ، هیچکس را نتوانستیم ملاقات کنیم . بد کتر عالیجناب تلفن کردیم که دبیر کل
 کمیته حقوق بشر در ایران است . او بما پاسخ داد که نمیتواند امروز ما را بپذیرد زیرا
 در شهرستانی کار دارد ولی سعی خواهد کرد که روز شنبه بوسیله معاون خودش ،
 دکتر حداد ، ملاقات ما را فراهم سازد .

با استفاده از تعطیل روز جمعه به اصفهان رفتیم . شهرت نمایشگر عظمت گذشته
 و یک ایمان مذهبی که در آنجا اسلام شیعی توانسته است شایستگیهای استقلال را به
 نمایاند . سفر باین شهرستان بما امکان داد با خارجیانیکه مدت ۲۰ سال است در
 آنجا زیست میکنند ملاقات و گفتگو کنیم .

سرانجام روز شنبه ساعت ۸ وعده ملاقاتی با دکتر حداد ، معاون دبیر کل کمیته ایرانی
 حقوق بشر گرفتیم که رئیس آن کسی نیست مژ پرنسسا شرف خواهر شاه . دکتر حداد

ما را در اطاق دفتر خود در بانك مرکزی پذیرفت. او بید رنگ و مقدمه بها گفت که او نیز جزء اخبار مطبوعات، اطلاعاتی از قضیه محکومین به اعدام ندارد و برای دیگر دستگیر شدگان نیز کاری از دست کمیته ساخته نیست، زیرا شکایتی دریافت نکرده است. دکتر حداد تصریح کرد که هیچگاه کمترین شکوه و شکایتی از جانب خانواده های افرادی که مورد پیگرد دادرسی نظامی قرار گرفته اند دریافت نداشته ۰۰۰ سپس برای ما وضع رقتبار کمیته را شرح داد که اساسا متشکل است از شاهزاده خانم اشرف دکتر عالیخانی و خودش. او عصرها بعد از درس در بانك، اندک وقتی دارد برای زندگی خود و خانواده اش که در يك آپارتمان کوچک اجاره ای روزگار میگذرانند ۰ کم مانده بود که ما برای دکتر حداد اشک ترحم بریزیم علیرغم شکوه مندی اطاق کارش در بانك مرکزی که ما را در آن پذیرفته بود.

پس بدلیل نداشتن کارمند، تنها کاریکه کمیته میتواند، بگفته دکتر حداد انجام دهد اینستکه اگر شکایتی برسد آنها بمقامات قضائی بفرستد. و منتظر جواب بماند و این جواب معمولاً کمیته را راضی میکند. بدیگر سخن این کمیته ایرانی حقوق بشر يك سازمان قلابی است که لاجرم نظریات معاون دبیر کل آن نیز در باره حقوق بشر، چیزی بسیار محدود تر از درك سازمانهای بین المللی است که در راه این حقوق مبارزه میکنند. دکتر حداد با اطلاع ما رساند که از دیدگاه او حقوق بشر عبارت است از مبارزه بر ضد نژاد پرستی، مثلاً در ایالات متحده آمریکا (ما با این نکته نمیتوانستیم موافق نباشیم) و نیز اینکه تروریسم با هیچ انگیزه سیاسی قابل توجیه نیست، چونکه تشخیص آن گمراه کننده و ناممکن است.

پس به نظر دکتر حداد سرکوب تروریسم میبایستی بی رحمانه انجام گیرد و او جز تأیید اقدامات دولت کاری نمیتواند انجام دهد زیرا لحظه ای تردید ندارد که افراد مورد پیگرد بایستی در معرض اجراء قانون ایران قرار گیرند. ولی مسئله بر سر اینستکه آیا این قانون در حدود شباهتش با قوانینی که ما میشناسیم، دقیقاً اجراء میشود؟ ما نمیتوانیم نسبت بدقت و درستی اجراء آن ظننن نباشیم بدلیل تمام اطلاعاتیکه طی سالها از شیوه های اعمال فشار و سرکوب در ایران بدست آمده است.

دکتر حداد در پاسخ پرسش ما اظهار داشت که چون وقت و کارمند لازم را ندارد، جریان هیچ دادگاهی را تعقیب نکرده، در هیچ زندان و یا بازداشتگاهی پای نه گذارده ولی در هر حال خانواده ها میتوانند زندانیان را ملاقات کنند. از این دیدار و گفتگو برای من و کشیش زست این احساس بهنگام خروج دست داد که آقای حداد يك بازیکر زبردستی است که براحتمی سر ما را به طاق کویده ۰۰۰ بلافاصله، شتابان بسوی کاخ دادگستری رفتیم تا در سر ساعتی که چهارشنبه گذشته تعیین شده بود با رئیس دیوان کیفر ملاقات کنیم.

تعجبی بها دست نداد که در آنجا از زبان يك قاضی که از حضور ما اطلاع یافته بود شنیدیم که رئیس مشغول است و نمیتواند ما را بپذیرد. این قاضی بها فهماند اطلاعات که ما میخواهیم بدست آوریم، چنانند که میبایستی در جستجوی منابع دیگری باشیم. آنگاه ما با پاسخ دادیم که آمده ایم دکتر یگانه را به بینیم، تا او ملاقات ما را با دادستان کل ارتش تسهیل نماید، چرا که بقراریکه بها گفته شده، ایشان را بدون اجازه نمیتوان ملاقات کرد.

این قاضی آنگاه بها گفت که میرود به دادرسی ارتش تلفن کند و پس از ۵ دقیقه باز گشت تا بها بگوید هیچ مانعی برای پذیرش ما از جانب ژنرال بهزادی وجود ندارد. او آزاد است و منتظر ما. بوسیله کارمندی آدرس سرایزخانه ای را که دادرسی ارتش در آن قرار دارد بها داد. من باید بگویم در صحت این آدرس ظننین بودم ولی تا کسی ما را بمحل رساند.

پس از آنکه به پاسگاه اطلاع دادیم که خواستار ملاقات با ژنرال بهزادی هستیم، نیم ساعتی در انتظار ماندیم تا سرانجام بوسیله افسر جزئی بها پاسخ داده اند که ژنرال رفته است و مدت کار روزانه او تمام است. ما کما بیش منتظر يك چنین وضعی بودیم ولی ماموریت ما ایجاب میکرد که بازی را تا آخر انجام دهیم، چنانکه این ماموریت در سطح رسمی با يك شکست تقریباً کامل پایان یافت.

ما فقط يك تأییدی از جانب نماینده اطلاعات کسب کردیم که فهرستی که ارائه دادهایم درست است و توقیف این افراد بدلیل مبهمی: فعالیت اسلامی - مارکسیستی بوده است.

اما در باره بانوئی که گفته بودند با دختر کوچک خود توقیف و زندانی شده است، بوسیله کارمندی بها پاسخ دادند که احتمال چنین واقعه ای کم است و کودک قطعاً آزاد است. بنا بگفته همین کارمند اکنون باز پرسى تمام دستگیرشدگان تواما بوسیله پلیس غیر نظامی و دادرسی نظامی انجام میگیرد. او تأکید کرد که جریان دادگاهها تا قبل از نوروز آغاز نخواهد شد.

* * * * *

* * *

برخی اطلاعاتیکه از دیگر منابع گرد

آمده است

بد لائلی کاملاً آشکار، ما نمیتوانیم برخی اطلاعاتی را که از ایرانیان و یا خارجیان مقیم ایران بدست آورده ایم، ارائه دهیم. مقید به رعایت حد اعلاى عینیت، باید باین امر نیز اشاره کنیم که درستی هیچیک از این اطلاعات گردآوری شده، توسط خود ما بازرسى نشده ولی بنظر ما اشخاصی که آنها را

در اختیار ما گذاشته‌اند شایسته اعتماد شمرده میشوند .
 بطور کلی ما متوجه شدیم که اشخاص در برابر پرسشها حد اعلاى احتیاط را رعایت می
 کنند ، چنانکه غالباً در باره هر آنچه مربوط باعمال پست رژیم ایران است ، سکوت مطلق
 اختیار مینمایند .

پلیس سیاسی ایران بنام ساواک که احیاناً ۲۰۰۰۰ کارمند دائمی و صد و هشتاد هزار
 نفر خبر چین دارد ، در تمام محافل جامعه ایران حضور داشته ، هیچکس نمیتواند
 از کسی ، قطع نظر از موقعیت اجتماعی او اطمینان داشته باشد .

غیر از زندانهای معروف و رسمی احیاناً ساواک بویژه در تهران خانه های پر شماری
 پراکنده در تمام شهر در اختیار دارد که بازداشتگاههای مخفی هستند و در آنجاها
 از مضمونی که سپس بداد رسمی نظامی تحویل میکردند و یا برای همیشه ناپدید میشوند ،
 بازجویی بعمل میاید .

در واقع آنچه از این گفته ها پیش از همه انسان را دچار بهت میکند ، تعداد پر شمار
 افرادی است که پلیس توقیف میکند و بدون هیچ محکمه ای یکسره ناپدید میگرددند .
 خارجیانیکه در نزدیکی خانه های ساواک زندگی میکنند با اطمینان بما اطلاع دادند
 که بارها ورود افراد چشم بسته ای را با اتومبیل های پلیس دیده اند که هرگز دیگر
 زنده از خانه خارج نشده اند .

پلیس نه فقط مخالفان بلکه همچنین اعضا خانواده آنان را دستگیر میکند .
 بعنوان نمونه خانواده رضائی را شاهد مثال میاورند که هر سه پسر کشته شده اند
 (دو نفر از آنان تیرباران و سومی معدوم شده است) . پس از آن اخیراً پلیس پدر ،
 مادر و دو خواهر آنها را با شوهرانشان بزندان انداخته است . از هیچ محکمه ای
 سخن در میان نیست .

گرچه خود ما نتوانستیم زندانها را بازدید کنیم ، وضع يك مخالف رژیم را برای ما نقل
 کردند که قریب ده سال است در شیراز زندانی است و دختر نو جوان او جز
 دقیقه در هر سه ماه نمیتواند بیشتر پدرش را ببیند و تمام مکاتبات او فقط باید روی کارت
 پستال بی پاکت باشد . این دختر جوان یغین حاصل کرده که هیچگاه پدرش را دوباره
 در خانه نخواهد دید .

خود این دختر در مدرسه ای که میرفته ، در معرض توهین و اهانت دائمی از جانب
 برخی معلمان قرار داشته که دیگر دبیران آنها را اعمال ساواک میدانسته اند . او برای
 گریز از این آزار مجبور به تغیر مدرسه خود شده است .

سخن که از مدرسه پیش آمد ، بجاست . باز گو کنیم که از چند ماه پیش به این طرف ، از
 جوانان بهنگام آزمایش مطلبند که قبل از امتحان ، تعهد نامه ای را برای عضویت در
 حزب رستاخیز ، پدانه حزبی که شاه آنرا سال گذشته شخصا ساخته ، امضا کنند .

دانشگاه تهران از نظر تزیینات پلیسی گویی یکی از نقاط صاحب امتیاز است . در واقع

نیز محیط دانشجویی بسختی میتواند رژیم را تحمل کند که سرکونه آزادی بیان و حق اجتماعات را ممنوع ساخته است .

در محیط دانشگاه مرتباً حوادثی رخ میدهد ، علرغم اینکه همواره بوسیله پلیس پاسداری میشود ، امری که ما خود بچشم خود مشاهده کردیم .

در ماه دسامبر گذشته دانشگاه تهران برای چند روزی تعطیل شده است . ولی ما از یک منبع بقدر کافی معتبر آذاهای یافتیم که در دوین هفته دسامبر ، حدود ۱۵ دستگیر پلیس انیفرم پوش به بناهای مختلف دانشگاه وارد شده و پسران و دختران را حتی تا درون مستراح مورد تعقیب قرار داده است . ده نفری از دانشجویان بضر بچاق کشته شده اند .

ما این خبر را با بسیاری در میان گذاشتیم ولی هیچیک از آنها اظهار اطلاع نکرد . در مورد افرادی که بتازگی دستگیر شده اند و فهرست نام آنها را قبل از ترک پاریس بما داده بودند روز دوشنبه ۱۲ ژانویه اطلاع حاصل کردیم که بانو طالقانی ، دختر حضرت آیتالله طالقانی در همان روز به زندان اید محکوم شده است .

مطلع از صدور این حکم مجازات ، هنگامیکه کارمند وزارت اطلاعات بدیدار ما آمد ، از او پرسیدیم آیا اشخاصیکه فهرست نام آنها را ارائه داده ایم بزودی محاکمه خواهند شد ؟ او پاسخ داد : نه قبل از سال آینده . حکم مجازات بانو طالقانی بهیچ نحوی در مصبوعات انتشار نیافت . این یکنانه اطلاعی است که ما توانستیم در مورد اشخاص تازه باز داشت شده بدست آوریم .

علاوه بر فهرستی که ما داشتیم میبایستی گفته شود ۵ افراد دیرری نیز در مدت دو سال اخیر بدون هیچ محاکمه ای دستگیر و زندانی شده اند :

آیت الله ربانی شیرازی	۶۳ ساله
آیت الله علی خموی	۵۷ ساله
آیت الله طبرسی	۵۱ ساله
آیت الله هاشمی نژاد	۶۰ ساله

دو نفر نخستین را خطر مرگ تهدید میکند . همه آنان شکنجه شده اند . در مورد شکنجه و شیوه رفتار با زندانیان سیاسی در زندانها ، هئیت های نمایندگی پیشین تمام دهشت آنرا تشریح کرده اند .

دانستن یک اطلاعاتیکه مستقیماً در زمره اهداف ما موریت ما نبوده جالب بنظر میرسد : دو لب سال گذشته تصمیم گرفته است تحصیلات خصوصی را تماماً دولتی کند و بر این مبنا دولت موسسات تحصیلی موقوفه و خصوصی را بتدریج تصرف میکند .

چنین اقدامی در یک کشور دمکراتیک ، میتواند نشانی از ترقیحخواهی تلقی گردد . ولی در ایران هدف از آن پیشبرد چنان تحصیلی است که در آن کرنش در برابر اصول انقلاب

سفید شاه اجباری گردد .

پهمن منظور دولت اخیراً تمام روسای مذهبی تمام ادیان موجود در ایران را احضار کرده و به آنها ابلاغ نموده که اعتقاد مذهبی، قطع نظر از مبانی آن، بهترین وسیله برای پرورش نسل جوانی است که نسبت به اصول رژیم شك و تردیدی بخود راه ندهد .

* * *

* *

*

برخی اندیشه های کلی

وشخصی

باموریت ما تنها نظریاتی را که دیگر ناظران پیش از ما داشتند، تأیید کرد . ایراد تضییق بر مخالفان رژیم در این اواخر فوق العاده سخت تر شده و مقامات دولتی ایران ضمن خود داری از ارتکاب اشتباه راندن بلاد رنگ ناظران بین المللی از کشور، از هر گونه کوشش و تلاش آنها برای تحقیق جدی در باره وضع زندانیان سیاسی ممانعت به عمل می آورند . درست همانند شیلی، امتناع از دادن جواز بازدید از زندانها به ناظران خارجی و یا جلوگیری از حضور آنها در دادگاهها، خود اعترافی است که رژیم به بزهکاری خود در ایراد فشار و لگد مال کردن ابتدائی ترین اصول احترام به حقوق انسان میکند .

ترس مردم این کشور از سخن گفتن، بخوبی نشان میدهد که يك رژیم ترور در ایران حکومت میکند و قهر تروریستی محصول اعمال قهر خود دولت است . گروهی که بر سر حکومت است و در رأس آن سلطانی مطلق العنان قرار دارد، بوسیله ترور حکومت میکند تا انقلاب سفید را غالب گرداند .

شکنتجه به يك سیستم حکومتی ارتقا یافته تا هر حرکتی از مردم، برای بدست گرفتن سرنوشت خویش سرزند، در هم شکند . بجای تکیه بر نیروهای پر تحرك ملی، رژیم بحمايت يك طبقه میانه شهری نوین که از يك سیستم اقتصادی وحشی ثروت اندوخته، جزء پیروی از اراده ایالات متحده آمریکا لاری نکرده است . امری در واقع بدیهی است که تروریسم دولتی عارضه ایست از انتخاب نوعی رشد اقتصادی که ایران را زیر سلطه برخی قدرتهای خارجی و سرمایه های گلان چند ملتی نگاه دارد .

در آمد نفت بمصرف وارد کردن خواریار از کشورهای خارجی بویژه از ایالات متحده آمریکا میرسد که خود ایران بیست سال پیش آنها را تولید میکرد و برایش املان يك استقلال واقعی بود و نیز بویژه به مصرف خرید تسلیحات میرسد . هم اکنون يك سوم تمام تولید ناخالص ملی ایران را می بلعد

رژیم شاه ابرار سیاست ایالات متحده آمریکا است و آمریکا حضور خود را در مرزهای کشورهای سوسیالیستی بواسطه ایران در "جهان آزاد" توجیه میکند .
ایران علیرغم گنده گوئیهای شاه نسبت به کنسرسیوم بین المللی نفت، هیچگاه بقسدر امروز برای آینده خود وابسته به خارج نبوده است .

تمام سازمانهای اجتماعی در هم خورد شده وگزاره گوئی در باره عظمت ایران خاك پاشیدن بر چشم مردم است تا آنها را بتبعیت مطلق از رژیمی وادارند که جز عامل اجراء قدرتهای خارجی ، در مبارزه آنها علیه آزادی ملل ، چیز دیگری نیست .
تهران ، با وجود صنایع بزرگی که توسط شرکت های خارجی تاسیس یافته ، هنوز پایتخت کشوری رشد نیافته است ولی در کرداب جامعه مصرف فرو رفته است .

این وضع موجب خمود وجدان سیاسی جوانترین اقشار جامعه میشود که خود مستعد ترین مخالفان رژیمی هستند که در آن انسان مصلوب و منفرد شده ، محکوم به خدمت نوکرمانه گردیده و از تمام ساختارهای زندگی و تفکر طبیعی جدا و محروم شده است .
مبارزه ایکه رژیم اکنون بر ضد روش های روحانی انجام میدهد ، معنای دیگری ندارد .
اسلام شیعی با سنت استقلال طلبانه که از هرگونه تبعیت سیاسی سر می پیچد ،
امروز مانعی در برابر سیاست شاه - نایب السلطنه امپراطوری آمریکا - بشمار میروده راه رشدی که برای ایران ، بدینسان پر کزیده اند ، با تقلیل درآمد نفت به مرزهای محدود خویش بر خورد خواهد کرد . هم اکنون ایران مجبور است که ضمن دادن سفارش تاسیساتی به خارجیان ، در عین حال تقاضای وام کند ، در حالیکه خاندان سلطنتی و برخی از صاحبان نفوذ ، ثروتهای عظیمی گرد آورده و بخش بزرگی از آنرا در بانکهای سوئیس در پناه گذارده اند .

از سوی دیگر ، و این موضوعی تکرار کردنی است ، راه رشد اقتصادی که رژیم کنونی ایران برگزیده مطلقا با واقعیات ایران انطباقی ندارد و تنها یک قالب وارداتی از کشورهای صنعتی (سرمایه داری م) است . در نتیجه ما نمیتوانیم نسبت به امکانات گزار سریع ایران به دمکراسی بد بین نباشیم ، گر چه قدرت حاکمه که هیچ تکیه گاه خلقی واقعی ندارد ، سست نهاد و شکننده است .

=====

فهرست ۱۰ نفر محکومین با اعدام در ۳۱ دسامبر ۱۹۷۵
در آخرین ساعات ۱۹۷۵ ، مطبوعات ایران خبری انتشار دادند ، دایر باینکه دادگاه نظامی تهران ده نفر نامبردگان زیرین را محکوم به اعدام کرده است :

وحید افراخته

محمد طاهر رحیمی

سید محسن خاموشی

مرتضی صمدیه لیاف
 محسن بطهائی
 ساسان صمیعی بهبهانی
 عبدالرضا میرجاوید
 مرتضی لیاف نژاد
 مهدی غیوران
 بانو منیژه اشرف زاده کرمانی

پوسیله مطبوعات بود که اطلاع داده شد ، احکام روز ۲۲ ژانویه پوسیله دادگاه تجدید نظر ابرام شده و ۹ نفر از متهمین از جمله بانو منیژه اشرف زاده کرمانی ، شنبه ۲۴ ژانویه (۴ بهمن ۱۳۵۴) تیرباران شده اند .

پایان

آرمان

نشریه دبیرخانه خارجی

شماره بانکی

سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران

آدرس پستی

G. Soblich

Kreissparkasse Recklinghausen

Fil. Dorsten-Holsterhausen

Girokonto 1858974

Gustav Soblich

Friedenau 3

4270 Dorsten 3

West-Germany

ARMAN

Review of the Foreign Bureau of the Organization of Democratic Youth and Students of Iran

Price: 0,50 DM or its equivalent in all other countries

